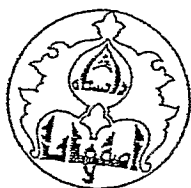


۱۳۱۱/۱۱/۱۹۳
۱۳۱۱/۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۰۶۵۲



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه ادبیات

پایان نامه‌ی دکتری رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

بررسی اصطلاحات علوم قرآنی در آثار ادبی زبان فارسی
(تا پایان قرن ششم هجری)

استادان راهنما:
دکتر اسحاق طغیانی
دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد

استاد مشاور:
دکتر سید مهدی نوریان

پژوهشگر:
تقی اجیه

۱۳۸۷ / ۹ / ۲۳

دی ماه ۱۳۸۶

۱۰۶۰۴۴

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه ادبیات

پایان‌نامه‌ی دکتری رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی آقای تقی اجیه
تحت عنوان

بررسی اصطلاحات علوم قرآنی در آثار ادبی زبان فارسی
(تا پایان قرن ششم هجری)

در تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

دکتر اسحاق طغیانی	با مرتبه‌ی علمی	دانشیار	امضاء	۱- استادان راهنمای پایان‌نامه
دکتر سیدعلی اصغر میرباقری فرد	با مرتبه‌ی علمی	دانشیار	امضاء	
دکتر سیدمهدی نوریان	با مرتبه‌ی علمی	استاد	امضاء	۲- استاد مشاور پایان‌نامه
دکتر مهدی تذین	با مرتبه‌ی علمی	استاد	امضاء	۳- استادان داور داخل گروه
دکتر رضا شکرانی	با مرتبه‌ی علمی	استادیار	امضاء	
دکتر محمدمهدی ناصح	با مرتبه‌ی علمی	استاد	امضاء	۴- استادان داور خارج از گروه
دکتر احمد امیری خراسانی	با مرتبه‌ی علمی	دانشیار	امضاء	

امضای مدیر گروه

« الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ »

(اعراف / ٤٣)

چکیده:

بعد از گسترش اسلام و با پذیرش آن توسط ایرانیان خوب‌گزین و بسط دامنه آن در اطراف و اکناف ایران و پس از آنکه اندیشه اسلامی به عنوان تفکر غالب در باور و اعتقاد مردم این سرزمین ریشه دوانید و به شکوفایی رسید، دانشمندان مسلمان ایرانی در شناخت و شناساندن قرآن کریم به عنوان مأنوس‌ترین کتاب آسمانی، تلاش‌های علمی فراوانی داشتند. از جمله این جستجوهای علمی پژوهش‌هایی است که ناظر به شناخت قرآن کریم است تا این کتاب آسمانی بهتر شناخته شود، مطالعاتی که امروز با نام «علوم قرآنی» آنها را می‌شناسیم.

در این پژوهش سعی شده است که مجموعه این مباحث از متون ادب فارسی تا پایان قرن ششم هجری، استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل شود و دیدگاه‌های مطرح در این متون در هر موضوعی از علوم قرآنی تدوین گردد. مهمترین موضوعات علوم قرآنی که در این پایان‌نامه به بحث گذارده شده عبارتند از: روش‌های فهم قرآن در متون ادب فارسی، قرآن نام‌ها و اوصافش، مفهوم وحی، اعجاز قرآن و بازتاب آن در متون ادب فارسی، محکم و متشابه، مبین بودن قرآن و تأویل، انواع رویکرد به تأویل در متون ادب فارسی، مثل و ماثول و همچنین دهها موضوع فرعی دیگر که در ذیل عنوانین فوق به تفسیر تحلیل و بررسی شده است.

آنچه لازم به تذکر است اینکه انتخاب عنوانین فصل‌ها و همچنین آوردن بخش‌های مختلف سخن و گستردگی کمی و کیفی آنها در متن تحقیق، بر حسب طرح موضوعاتی از علوم قرآنی است که تا پایان قرن ششم هجری در آثار ادب زبان فارسی به آنها پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها:

علوم قرآنی، متون نثر کهن فارسی، متون نظم کهن فارسی، تهذیب، عرفان، بطن، هرمنوتیک

فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
	مقدمه
و	قرآن پژوهی و نقش ایرانیان در پیدایش و گسترش آن
و	نخستین گفتگوی‌های علمی
ح	مفهوم اصطلاح «علوم قرآنی»
ط	تاریخ شکل‌گیری علوم قرآنی
ط	همراهی علوم قرآنی با حدیث
ط	تک نگاری‌ها
ی	بیان برخی از علوم قرآنی در مقدمه یا اثنای تفاسیر
ی	پیدایی علوم قرآنی به عنوان یک دانش مستقل
ک	ارتباط مباحث علوم قرآنی با سایر دانش‌های اسلامی
ک	تاریخ وسیره
ل	حدیث
ل	ادبیات
ل	کلام
م	تفسیر
م	اصول فقه
م	نظام دانش «علوم قرآنی» در منابع و کتب آن
س	بازتاب علوم قرآنی در متون ادب فارسی
ص	مفهوم تفسیر
ق	ایرانیان و تفسیر نگاری
ت	بیان مسأله پژوهش
ذ	اهداف تحقیق
ذ	پیشینه موضوع
غ	پرسش‌های ویژه تحقیق و روش انجام

فصل اول: روش‌های فهم قرآن در متون ادب فارسی

۳	۱-۱- روش اول: توجه به روایات در تبیین مفاهیم آیات
۱۴	۱-۲- روش دوم: فهم قرآن به وسیله قرآن
۱۹	۱-۲-۱- تفسیر قرآن با قرآن در متون زبان فارسی و محورهای ده‌گانه
۱۹	۱-۲-۲- مباحث علوم قرآنی

عنوان	صفحه
۱-۲-۳- اسباب نزول	۲۰
۱-۲-۴- اختلاف قرائت	۲۰
۱-۲-۵- تمثیل قراردادن آیات با استفاده از روش «قرآن با قرآن»	۲۱
۱-۲-۶- تفسیر قرآن با قرآن در تبیین اندیشه‌های کلامی	۲۱
۱-۲-۷- تعیین مفاهیم مشترک	۲۳
۱-۲-۸- مفهوم‌شناسی واژه‌های قرآنی	۲۴
۱-۲-۹- مثل‌های قرآنی و تفسیر قرآن با قرآن	۲۴
۱-۲-۱۰- تشخیص آیات الاحکام در تفسیر قرآن با قرآن	۲۵
۱-۲-۱۱- تفسیر قرآن با قرآن در مفاهیم چند وجهی واژه‌ها	۲۶
۱-۲-۱۲- تفسیر موضوعی	۲۸
۱-۲-۱۳- نگاه اول غزالی	۳۰
۱-۲-۱۴- نگاه دوم غزالی	۳۰
۱-۲-۱۵- نگاه سوم و چهارم غزالی	۳۱
۱-۲-۱۶- نگاه پنجم غزالی	۳۱
۱-۲-۱۷- برداشتهای ذوقی و تفسیر قرآن با قرآن	۳۴
۱-۳-۱- روش سوم: تهذیب و ترکیه دل و نزول معانی از سوی خداوند بر قلب مهذب	۳۶
۱-۳-۱- مفهوم تهذیب در قرآن کریم	۳۸
۱-۳-۲- سلامت راه	۳۸
۱-۳-۳- سلامت راهرو	۳۸
۱-۳-۴- سلامت راهنما	۳۹
۱-۳-۵- ماهیت و نشانه‌های شیوه فهم مینی بر تهذیب در متون ادب فارسی	۴۰
۱-۳-۶- حجاب خودی بزرگترین مانع فهم در نزول حقایق و معانی قرآن به قلب	۴۴
۱-۳-۷- حجاب خودی یعنی: تعلق به صفات نفس	۴۵
۱-۳-۸- حجاب خودی یعنی: بر وفق شریعت عمل نکردن	۴۶
۱-۳-۹- حجاب خودی یعنی: دون همّتی	۴۶
۱-۳-۱۰- حجاب خودی یعنی: پای بست عقل شدن و راه به عشق نیافتن	۴۸
۱-۳-۱۱- حجاب خودی یعنی: بی‌خبری از عجز خویش در معرفت و اعتماد به عمل در پیشگاه محبوب	۴۹

فصل دوم: نام‌ها و اوصاف قرآن

۱-۲- نامهای قرآن در متون تفسیری زبان فارسی	۶۱
--	----

عنوان	صفحه
۲-۲- جایگاه قرآن	۶۶
۳-۲- نام‌های قرآن و نسبت آنها با خداوند متعال	۶۷
۴-۲- نام‌ها و اوصاف قرآن و نسبت آن با انسان	۶۸
۵-۲- نام‌ها و اوصاف قرآن کریم در متون ادب فارسی	۶۹

فصل سوم: بررسی مفهوم وحی

۱-۱- وحی از دیدگاه قرآن کریم	۷۹
۲-۳- وحی تشریحی یا رسالی در قرآن	۸۰
۳-۳- انواع وحی	۸۲
۴-۳- دیدگاه‌های متفکران مسلمان ایرانی درباره وحی	۸۴
۵-۳- گفتار اول: دیدگاه‌های فلسفی - کلامی	۸۵
۱-۵-۳- فارابی	۸۵
۲-۵-۳- ابن سینا	۸۶
۳-۵-۳- محمد غزالی	۸۷
۴-۵-۳- وحی از دیدگاه اسماعیلیه	۸۸
۶-۳- گفتار دوم: وحی در آثار عرفانی زبان فارسی	۹۰
۷-۳- وحی و فرشتگان در متون فارسی	۹۹
۸-۳- دیدار از فرشته حامل وحی و بازتاب آن در متون فارسی	۱۰۰

فصل چهارم: اعجاز قرآن و بازتاب آن در متون ادب فارسی

۱-۴- قرآن علمی، قرآن عینی	۱۱۳
۲-۴- اعجاز قرآن و دیدگاه اعراب جاهلی	۱۱۷
۳-۴- اعجاز قرآن و بلاغت	۱۱۸
۴-۴- نظم آهنگ قرآن و نفوذ اعجازی آن	۱۲۵
۵-۴- تأثیر باطنی و خیال انگیزی قرآن کریم	۱۲۶
۶-۴- اعجاز علمی قرآن	۱۳۰
۷-۴- نگاهی دیگر به اعجاز قرآن	۱۳۱
۸-۴- تحلیل دیدگاه سنایی درباره اعجاز قرآن	۱۳۳

فصل پنجم: آیات محکم و متشابه و بازتاب آن در ادب فارسی

۱-۵- تحلیل محکم و متشابه در متون ادب فارسی	۱۴۹
--	-----

عنوان	صفحه
۲-۵- روش‌های متداول در متون ادب فارسی برای فهم متشابهات قرآن	۱۵۸
۳-۵- ترجمه محکمت و متشابهات در متون فارسی	۱۵۹
۱-۳-۵- ناهمگونی مفهومی	۱۶۰
۲-۳-۵- بریدگی انسجام در کلام	۱۶۱
۴-۵- بازتاب تفسیر در متون ادب فارسی	۱۶۲
۵-۵- ایرانیان و نیازمندی به تفسیر	۱۶۳
۶-۵- محکم و متشابه در متون تفسیری فارسی	۱۶۳
۷-۵- تأویل و بازتاب آن در متون فارسی	۱۷۲
۸-۵- موارد استعمال لفظ تأویل در قرآن کریم	۱۷۲
۹-۵- مبین بودن قرآن و تأویل	۱۷۳
۱۰-۵- رویکردهای سه گانه تأویل در متون فارسی	۱۷۴
۱-۱۰-۵- رویکرد نفی ظاهر	۱۷۴
۲-۱۰-۵- رویکرد موازنه	۱۷۷
۳-۱۰-۵- رویکرد تمثیل	۱۷۹
۵-۱۱- آناگورزی و بازتاب آن در متون فارسی	۱۸۲
۵-۱۲- نمونه‌هایی از متون فارسی	۱۸۷
۵-۱۳- حروف مقطعه و بازتاب آن در متون فارسی	۱۸۹
۵-۱۳-۱- رمزی بودن حروف مقطعه	۱۹۱
۵-۱۳-۲- تحلیل معانی و مقاصد حروف مقطعه	۱۹۲
۵-۱۳-۳- مقطّع‌خوانی و بازتاب آن در متون فارسی	۱۹۳
۵-۱۳-۴- تلفیق فرهنگ اساطیری و دینی در تحلیل حروف مقطّع در ادبیات فارسی	۱۹۵
۵-۱۳-۵- نمونه‌ای از تأویلات عین القضاة از حروف مقطّع	۱۹۷

فصل ششم: مثل

۱-۶- مفهوم مثل	۲۰۰
۲-۶- ویژگیهای زبانی مثل	۲۰۰
۳-۶- مثل، تمثیل و قصه در قرآن	۲۰۵
۴-۶- روش قرآن در بیان داستان	۲۰۶
۵-۶- اقسام مثل در قرآن	۲۰۷
۶-۶- بازتاب مثل‌های قرآن در متون زبان فارسی	۲۰۹
۷-۶- بازتاب قصص قرآنی در متون ادب فارسی	۲۱۵

صفحه	عنوان
۲۱۶ ۱-۷-۶ داستان خضر و موسی در متون فارسی
۲۱۸ ۲-۷-۶ نگاه جدید به خضر در ادبیات فارسی
۲۲۴ ۸-۶ بازتاب قصص قرآن در متون تفسیری زبان فارسی
۲۲۵ ۱-۸-۶ توجه به آیات برای تبیین وجوه مشترک معانی در قصص قرآن در متون فارسی
۲۲۶ ۲-۸-۶ توجه به اختلاف قرائات در قرآن در تحلیل قصه‌های قرآن در متون فارسی
۲۲۸ ۳-۸-۶ شرح قصه‌های قرآنی بر مبنای اصول و روش‌های متداول تفسیری در متون زبان فارسی
۲۳۳ ۴-۸-۶ استفاده از دانشهای متداول در شرح قصه‌های قرآنی در متون فارسی
۲۳۴ ۵-۸-۶ توجه به روایات در تبیین جوانب قصص قرآن در متون فارسی
۲۴۰ فهرست منابع و مآخذ
۲۴۶ فهرست آیات
۲۶۴ فهرست جامع (اشخاص، موضوعات، اصطلاحات)

مقدمه

قرآن پژوهی و نقش ایرانیان در پیدایش و گسترش آن

علوم و فرهنگ اسلامی و به طور کلی تمدن اسلامی، به تدریج رشد کرد و بارور شد. مانند هر حرکت فکری و فرهنگی که چون سلولی زنده پدید می‌آید و در سیورورت خویش مراحل را می‌گذراند تا سرانجام به یک دستگاه کامل و متشکل تبدیل شود.

جوش علمی مسلمانان از «نقطه معینی»، با «موضوع معینی» و از «طریق معینی» آغاز شد. نقطه آغاز، مدینه پس از هجرت، شخص آغازگر، رسول خدا حضرت محمد -صلی الله علیه و آله و سلم- و موضوع معین، قرآن کریم بود. در مدینه بود که مسلمانان، برای نخستین بار، ارزش فهمیدن را با شناخت آیات الهی از زبان پیامبر -صلی الله علیه و آله و سلم- تجربه کردند و با مراجعه به آیات نازل شده و شخص رسول خدا از مفاهیم آیات نازل شده پرسش داشتند و این چنین، حلقه‌های یادگیری و درس شکل می‌گرفت. درسبره پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله و سلم- بود که اگر صف عبادت یا حلقه درسی را همزمان می‌دیدند، می‌فرمودند: «كَلَّا هُمَا عَلَيَّ خَيْرٍ وَلَكِنَّ بِالْعَلِيمِ أُرْسِلْتُ» (شهید ثانی، بی‌تا، ص ۱۵)، یعنی هر دو اهل خیرند اما من برای تعلیم فرستاده شدم. اینگونه بود که دانش و دانایی ارزشی قدسی و الهی یافت. «توصیه و تشویق مؤکدی که اسلام و شخص رسول اکرم در توجه به علم و علما می‌کرد از اسباب عمده آشنایی مسلمین با فرهنگ و دانش انسانی بود. قرآن مکرر مردم را به تفکر و تدبیر در احوال کائنات و به تأمل در اسرار آیات دعوت کرده بود. مکرر به برتری اهل علم و درجات آنها اشاره نموده بود و یک جا شهادت «صاحبان علم» را تالی شهادت خدا و ملائکه خوانده بود که این خود، به قول امام غزالی، در فضیلت و نبالت علم، کفایت داشت. به علاوه بعضی احادیث رسول که به اسناد مختلف نقل می‌شد، حاکی از بزرگداشت علم و علما بود و این همه با وجود بحث و اختلافی که در باب اصل احادیث و ماهیت علم مورد توصیه در میان می‌آمد، از اموری بود که موجب مزید رغبت مسلمین به علم و فرهنگ می‌شد.» (زرین کوب، ۱۳۸۲، صص ۱۷-۱۸).

نخستین گفتگوهای علمی

اگر از نخستین موضوع مطرح در این گردهمایی‌های علمی صدر اسلام جستجو کنیم، نخست قرائت قرآن است و سپس تفسیر، کلام، نحو، لغت، حدیث، تاریخ، بلاغت و ... که یکی پس از دیگری در کنار قرآن تولد یافت. باید گفت که قرآن هسته مرکزی این موضوعات بود و این دانش‌ها، شعاع آن و مسلمانان برای فهم قرآن بود که، این دانش‌ها را می‌آموختند.^۱

آنچه در این مجال قابل توجه است، نقش ایرانیان در این توسعه و غنای فرهنگی است. «ادوارد براون» می‌نویسد:

۱. «جرجی زیدان» در این باره بحث‌های مفصلی مطرح می‌کند (رک: تاریخ تمدن اسلام، ج ۳، ترجمه فارسی، صص ۹۴ به

بعد).

مفهوم اصطلاح «علوم قرآنی»

اصطلاح «علوم القرآن» بنا به ادعای «عبدالعظیم زرقانی» از سده چهارم کاربرد داشته و میان دانشمندان اسلامی رایج بوده است. به گفته وی، در کتابخانه مصر کتابی از علی ابن ابراهیم سعید (م ۳۳۰) وجود دارد با عنوان «البرهان فی علوم القرآن» در سی جلد، که ۱۵ جلد از آن باقی است. (زرقانی، ۱۹۹۸، م، ج ۱، ص ۳۶) البته باید بدانیم که مفهوم مصطلح امروزی علوم قرآنی که ترجمه «علوم القرآن» است، گاه کارکرد دیگری نیز داشته است، که با مفهوم امروزی مطابقت نمی‌کند. از جمله امین الاسلام طبرسی بر همین اساس، نام تفسیر خود را «مجمع البیان فی علوم القرآن» گذاشته است. بدیهی است که تفسیر ناظر به محتوای درونی قرآن و شرح و تبیین آیات است، در حالی که علوم قرآنی در کاربرد امروزی ناظر به این محتوا نیست.

بر اساس قواعد اضافه در زبان عربی، اضافه «علوم القرآن» را باید اضافه اختصاصیه دانست، همانند «جلدالکتاب» که در حقیقت به معنای «جلدالکتاب» [= به معنای جلدی که اختصاص به کتاب دارد] به کار رفته است. مطابق این نظر، علمی که به قرآن اختصاص دارد و در خدمت قرآن و معرفی آن به کار گرفته می‌شود، موضوع علوم قرآن است. تمام تعاریفی نیز که از اصطلاح فوق در کتب مربوط هست، همین نکته را تأکید می‌کند. از جمله تعریف ذیل:

«مباحث تتعلق بالقرآن الکریم من ناحیه نزوله و ترتیبه و جمعه و کتابته و قرائته و تفسیره و اعجازه و ناسخه و منسوخه و دفع الشبهه عنه و نحو ذلک» (زرقانی، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۲۸).

در تعریف فوق عبارت «تعلق بالقرآن» بیانگر مفهوم اختصاص است.

اگر تعبیر «علوم» به کار رفته است به خاطر این می‌تواند باشد که، هر دانشی از اقسام مسایل و بحث‌های مطرح در این کتب، به صورتی مستقل به موضوع شناخت قرآن پرداخته‌اند، به عبارتی هیچ کدام وابسته به یکدیگر نیستند، اما در جهت یک هدف، یعنی شناخت قرآن، قرار دارند.

آیت الله معرفت در تفاوت علوم قرآنی با معارف قرآنی آورده است:

«فرق میان «علوم قرآنی» و «معارف قرآنی» آن است که علوم قرآنی بحثی بیرونی است و به درون و محتوای قرآن از جنبه تفسیری کاری ندارد؛ اما معارف قرآنی کاملاً با مطالب درونی قرآن و محتوای آن سر و کار دارد و یک نوع تفسیر موضوعی به شمار می‌رود.» (معرفت، ۱۳۷۹، ص ۲ مقدمه).

در این دانش‌ها، گاهی مباحث به شناخت ماهیت قرآن مربوط می‌شود، نظیر: کیفیت و ماهیت وحی، نزول قرآن، محکم و متشابه و اعجاز قرآن. گاهی تحولات تاریخی قرآن جستجو می‌شود؛ مانند: تاریخ تفسیر، انواع تفاسیر و گاه مبانی فهم قرآن و تفسیر آن، و گاهی مباحث الفاظ، نظیر وجوه معانی در قرآن، معانی بیان، اسباب نزول و یا در مطالعات جدید، رویکردهای ایجابی یا سلبی خاورشناسان پیرامون قرآن است که در مباحث علوم قرآنی جای می‌گیرد.

علیرغم فراهم آمدن آثار متعدد در موضوع علوم قرآنی، چه به صورت تک نگاری و چه جامع، پدید آورندگان این آثار همچون «بدرالدین زرکشی» (م ۷۹۴ هـ. ق) و «جلال الدین سیوطی» (م ۹۱۱ هـ. ق) در دو مجموعه گرانسنگ «البرهان» و «الاتقان»، تعریف دقیقی از علوم قرآنی ارائه نداده‌اند. اما در جمع این آراء با توجه به بحث‌های فوق می‌توان

گفت: «علوم قرآنی دانش‌هایی هستند که دربارهٔ حالت و عوارض ذاتی و اختصاصی قرآن کریم بحث کرده و موضوع در تمامی آنها قرآن است» (یعقوب‌نژاد، ۱۳۷۶، ص ۸۵).

تاریخ شکل‌گیری علوم قرآنی

علوم قرآنی، شبیه همهٔ دانش‌هایی است که به خاطر نیاز شدید مسلمانان به فهم قرآن، در سده‌های نخستین، پدید آمده، اما سیر تحولی به سوی کامل‌تر و جامع‌تر شدن، داشته است. سیر تحول علوم قرآنی را می‌توان در چهار مرحلهٔ ذیل تفکیک کرد:

۱- همراهی علوم قرآنی با حدیث:

در فرهنگ تمام مسلمانان مشهور آن است که حدیث، منقولاتی از پیامبر اسلام -صلی الله علیه و آله و سلم- به نقلِ راویان است، که در کنار قرآن کریم برای فهم آن بیان شده است.^۱ عموم دانش‌های اسلامی نظیر تاریخ، کلام، فقه و تفسیر، در بستر احادیث طلوع کرده و سپس توسط صحابه تبیین، نقل و شرح و بسط شده‌اند. آنگاه به تدریج از حدیث جدا گشته‌اند.

اگر نقطهٔ آغاز، بحث‌های مربوط به علوم قرآنی را نیز جستجو کنیم، دستمایه‌های اولیهٔ آنها را باید در احادیث دید. البته احادیث نیز گاه شرح کلمه‌ای در قرآن و یا ارائهٔ شناختی پیرامون این کتاب آسمانی بوده است.

۲- تک‌نگاری‌ها:

در سدهٔ نخست، «یحیی بن یعمر» (م ۹۸) کتاب «القرائة» را نگاشت و در سدهٔ دوم «حسن ابن ابی حسن یسار بصری» (م ۱۱۰) کتاب «عدد آی القرآن» و «عبدالله بن عامر یحصبی» (م ۱۱۸) کتاب «القرآت» و مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰) کتاب «الآیات المتشابهات» را نوشتند و این سیر تک‌نگاری پیرامون هر کدام از مباحث مطرح در علوم قرآنی، ادامه یافت (معرفت، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، صص ۷-۹).

آنچه در نگاه اول به این آثار، استنباط می‌شود این نکته است که، در تدوین و تنظیم این آثار نگاه جمعی به مسایل علوم قرآنی و ارائهٔ نظامند آنها مطمح نظر نبوده است. بلکه انگیزهٔ اصلی در نگارش این آثار نیازهای روزآمد و بحث‌های مطرح پیرامون قرآن کریم بوده که بر اساس توانمندی متفکران مسلمان و شرح و تحلیل این آثار فراهم شده است. به عنوان مثال چون اختلاف قرائت‌های قرآن دشواری‌ها و مشکلات بسیاری را در مرزهای جغرافیایی اسلام برای مسلمانان فراهم می‌آورد، آثار مستقل در این موضوع پدید آمد و یا چون بحث‌های شدید بین مذاهب کلامی در حیطهٔ مرزهای اعتقادی مسلمانان مطرح بود و به خصوص میان دو فرقهٔ «معتزله» و «اشاعره» که به این مباحث دامن می‌زدند، برخی

۱. البته تعریف دقیق حدیث از منظر شیعه این است: «حدیث کلامی را می‌گویند که حکایت از قول معصوم یا فعل یا تقریر او

نماید.» (سبحانی، ۱۳۸۲، ص ۱۹)

در پی نگارش آثاری در بررسی آیات متشابه و به ناچار موضوعات فرعی آن، همچون روش‌های فهم آیات متشابه و به ضرورت سخن، پیرامون «تأویل» در دفاع و یا ردّ آراء، کتاب‌هایی را تصنیف و تألیف کردند.

۳- بیان برخی از علوم قرآنی در مقدمه یا اثنای تفاسیر:

محدود بودن مباحث و گزاره‌های علوم قرآنی در آغاز و نیز توجه دانشمندان تفسیر به آنها از همان ابتدا، ضرورت منقح کردن و تبویب و جمع‌بندی آنها را در کتب تفسیری اجتناب‌ناپذیر کرد. مفسر با بیان این موضوعات در آغاز اثر خویش، ناگزیر بود که به واسطه اختلاف آرای که با دیگر مفسران خواهد داشت، اصول مورد قبول خود را در آغاز اثر تفسیری‌اش برای مخاطبان شرح و توضیح دهد. قسمی از این مباحث، همان دانش‌هایی است که اکنون علوم قرآنی دانسته می‌شوند. گاهی توجه به این مباحث در برخی از تفاسیر آنچنان گسترده و عمیق است به گونه‌ای که مقدمه‌های مفصلی را برای این آثار به وجود آورده است: از جمله در تفاسیری چون: تفسیر تبیان شیخ طوسی (۱۴۱۳ ق)؛ مجمع‌البیان امین الاسلام طبرسی (۱۴۱۴ ق)؛ تفسیر صافی محسن فیض کاشانی (۱۴۰۲ ق) یا آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن (بلاغی، بی‌تا)؛ البیان ابوالقاسم خوبی (۱۴۰۱ ق).

۴- پیدایی علوم قرآنی به عنوان یک دانش مستقل:

نیاز شدید به معارف قرآنی از یکسو و شناخت اوصاف و ویژگی‌های کتاب آسمانی از سوی دیگر، موجب تعمیق دانش‌هایی شد که به یکی از این دو نیاز بستگی داشته است. نیاز اول در حیطه «تفسیر» و نیاز دوم در حیطه «علوم قرآنی» قرار دارد. هر دو نیاز نیز، در آیات قرآن مورد تأکید است. موارد ذیل نمونه‌هایی از این آیات است:

الف - در لزوم دستیابی به معارف قرآن کریم:

« هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ » (آل عمران/۱۳۸).

« وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ » (قمر/۱۷).

« كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ » (ص/۲۹).

ب - در لزوم دستیابی به شناخت قرآن:

« إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ » (یوسف/۲).

« أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا » (نساء/۸۲).

« مَا تَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا » (بقره/۱۰۶).

« مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ » (نجم/۳).

این تأکیدها همواره عاملی قوی بوده است تا مسلمانان حیطه دانش خویش را نسبت به این کتاب بیافزایند و زوایای فهم جدیدی را بگشایند و همین حرکت پویا، موجب افزونی و انبوهی کمی و کیفی در این علوم شده است، به گونه‌ای که در موضوع مورد بحث ما، یعنی علوم قرآنی، هرگز نمی‌توان فرآورده‌های تحقیقی امروزی را با تحقیق‌های سده‌های آغازین از حیث فراوانی طرح و موضوعات جدید و کیفیت مباحث، مقایسه کرد.

چنین وضعیتی در ادوار مختلف، موجب رشد و توسعه دانش‌های مرتبط با علوم قرآنی شد و آثار مستقل و جامعی را به وجود آورد. مطابق منابع موجود برای نخستین بار «بدرالدین زرکشی» (م ۷۹۴ ه. ق.) بود که با تدوین کتاب «البرهان فی علوم القرآن»، ساماندهی دانش‌های مرتبط با علوم قرآنی را سامان داد و مباحث پراکنده و غیر منسجم آن را در قالب یک تحقیق جامع و کتاب منظم، با ترتیب و فصل‌بندی‌های خاص، با عنوان کلی «علوم القرآن» تدوین کرد.

وی ضمن تأکید به نقش مهم پیشینیان در تدوین و نگارش مرتبط با دانش‌های بیرونی نسبت به قرآن کریم، توجه ما را به این سخن جلب می‌کند که: «گرچه در زمینه علوم حدیث کتاب‌های جامعی فراهم آمده، اما در زمینه قرآن و شناخت آن کاری در خور انجام نگرفته است، از این رو خود را متعهد به تدوین این کتاب می‌دانم.» (زرکشی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، مقدمه). وی در کتاب خویش چهل‌وهفت دانش را در زمینه علوم قرآنی همچون شناخت وحی، ویژگی‌های آن، وجوه و نظایر، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و... بر شمرده است و تأکید می‌کند که «هر یک از این علوم چنان گسترده است که برای نقد و تحقیق و بازشناخت آنها، عمری لازم دارد» (همان، ص ۱۳).

جالب توجه است که کتاب زرکشی، تا زمان «جلال الدین سیوطی» (م ۹۱۱ ه. ق) چندان شناخته شده نبود. برای نخستین بار با نگارش کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» توسط سیوطی است که، برای دیگران، اثر زرکشی مورد توجه قرار می‌گیرد. سیوطی تلاش کرد با پدید آوردن اثر مهم خویش، کار زرکشی را تکمیل کند. وی چهل‌وهفت موضوع مورد بازشناسی زرکشی در علوم قرآنی را در کتاب خود به نام «الاتقان»، به هشتاد نوع گسترش داد و تحقیق جامعی را در این زمینه به جویندگان آشنایی با قرآن در موضوعات مورد بحث علوم قرآنی، ارائه کرد. اگرچه آثاری همچون «مناهل العرفان فی علوم القرآن» به قلم عبدالعظیم زرقانی تصنیف شد، اما تا سده اخیر که اثر معروف آیت الله معرفت به نام «التمهید فی علوم القرآن» عرضه گردید، کتاب «الاتقان» سیوطی بی‌نظیر مانده بود.

ارتباط مباحث علوم قرآنی با سایر دانش‌های اسلامی

مقایسه موضوعات مطرح در آثار متعدد علوم قرآنی و تحقیق در پیش زمینه‌های آن، به خوبی مشخص می‌سازد که چند دانش اسلامی سرچشمه‌های اصلی علوم قرآنی بوده‌اند. همین عامل سبب شده است که تداخل‌هایی در این دانش‌ها با علوم قرآنی وجود داشته باشد که البته این امر شایعی در علوم دیگر نیز هست، که گفتگوی از این موضوع فرصت دیگری را می‌طلبد.

این علوم عبارتند از: تاریخ و سیره، حدیث، ادبیات، کلام، تفسیر، اصول و فقه، که به اجمال توضیح داده می‌شود:

تاریخ و سیره

مباحثی همچون حالات پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله و سلم- قبل از نزول آیات و پس از آن، سیر تاریخی تدوین و جمع قرآن، اهتمام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کتابت قرآن و کاتبان و حافظان قرآن، از جمله موضوعاتی است که اگر در کتب علوم قرآنی به آنها پرداخته شده است، عموماً در کتابهای تاریخ و سیره، نظیر «تاریخ طبری»، «تاریخ یعقوبی»، «الکامل فی التاریخ»، و «مروج الذهب» شرح و توضیح شده است.

حدیث

در بسیاری از شاخه‌های علوم قرآنی، از روایاتی بهره می‌برند که آشکار کننده بخشی از مباحث مطرح در این حیطه‌اند. معمولاً ماجرای نزول وحی، حالات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم- هنگام نزول وحی، برخی اسباب نزول، پرداختن به ناسخ و منسوخ و تأویل متشابهات، در مجامع روایی اهل سنت نظیر: «صحیح مسلم»، «سنن ابی داوود»، «جامع ترمذی» و برخی از مجامع روایی و تفاسیر اثری شیعه همچون «اصول کافی»، «نور الثقلین» و «صافی»، مضبوط است.

آنچه تا کنون در مضبوط کردن روایات ناظر به قرآن انجام یافته، بیشتر در مورد روایات تفسیری است و سایر روایات در زمینه علوم قرآنی، یکجا به صورت جامع و روشمند، گردآوری نشده است، که لازم است انجام گیرد.

ادبیات عرب

منظور از ادبیات؛ دانش لغت، اشتقاق، صرف، نحو، معانی، بیان و بدیع است که در کنار قرآن شکل گرفته‌اند. قرآن به عنوان متن عربی منقح از هرگونه تناقض، در جایگاهی قرار دارد که سند محکمی برای تثبیت قواعد صرفی و نحوی و علوم بلاغی این زبان گشت و مجموعه تحقیق‌های ادبی مفصل پیرامون باز کاویدن جنبه‌هایی از این وجه اعجازی قرآن شکل گرفته است، تا بتوانند به شیوه تخصصی در بخشی از این دانش‌ها نگاهی جامع داشته باشند. از جمله در مفهوم شناسی واژه‌های قرآنی آثاری چون «المفردات فی غریب القرآن» راغب اصفهانی و «مجمع البحرین» طریحی و «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» مصطفوی را می‌توان نام برد. در این جهت حتی منابع لغت عام که همانند آثار فوق ویژه قرآن نیستند، اعتراف دارند که: «فاننی لم اقصد سوی حفظ اصول هذه اللغة النبویه و ضبط فضلها، اذ علیها مدار احکام الکتاب العزیز و السنه النبویه...» (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۹) یعنی: این کتاب را برای خدمت به قرآن و تسهیل فهم و تفسیر قرآن و سنت نبوی فراهم آورده‌ایم.

بر اساس آنچه مشهور است، نخستین بار «ابوالاسود دثلی» و شاگردان وی، به راهنمایی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، به تنظیم قواعد و ضوابط علم صرف و نحو پرداختند (معرفت، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۶۱؛ زرقانی، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۳۹۹) و بر اساس قول مشهور، «عبدالقاهر جرجانی، سکاکی و تقطازانی» برای نشان دادن وجوه اعجاز قرآن سه دانش معانی، بیان و بدیع را محققانه ضابطه‌مند کردند و کمال بخشیدند. (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۴۵۴)

بعضی از مباحث علوم قرآن به خوبی نمایانگر بخشی از مباحث مطرح در علوم ادبی است؛ از جمله در موضوعات، حقیقت و مجاز در قرآن، وجوه معانی در قرآن و اعجاز بیانی قرآن.

کلام

از جمله مسایل مطرح در چگونگی و ماهیت وحی درباره پیامبران و چند و چونی وحی بر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم- تحدی قرآن و ناکامی‌های معارضان در هم‌آورد طلبی قرآن کریم با آنان است که در علوم قرآنی نیز مطرح می‌باشد. حتی در بحث محکم و متشابه است نیز که انواع نحله‌های کلامی از قبیل اشاعره، معتزله، امامیه،

ماتریدیته، کرامیته، اسماعیلیه و... مباحث خود را مطرح می‌کنند و براساس این مبانی آراء یکدیگر را به چالش می‌کشند؛ علم کلام با علوم قرآنی مشترک است که تفصیل این موضوع فرصت مناسبی را می‌طلبد.

تفسیر

راغب اصفهانی (م ۵۶۵ هـ) تفسیر را در عرف دانشمندان «کشف معانی قرآن و بیان مراد آیات آن می‌داند، اعم از اینکه به حسب مشکل بودن لفظ و غیر آن به حسب معنای ظاهر و غیر آن باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۲ق، ماده فسر». همین تعریف وی را دو صاحب نظر بر جسته علوم قرآن، یعنی سیوطی در «الاتقان» (۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۱۹۰) و زرکشی در «البرهان» (۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۸۵) آورده‌اند.

اهمیت علوم قرآن، از لحاظ کارکرد آنها در علم تفسیر، آن است که مقدمات فهم و تفسیر آیات قرآن کریم را فراهم می‌آورد. به عنوان مثال بحث‌های مربوط به مکی و مدنی بودن آیات و توضیح در معیارهای شناخت آیات مکی و آیات مدنی، اختلاف قرآن در فهم معانی آیات و اسباب نزول را می‌توان از پایه‌ای‌ترین مباحث علوم قرآنی دانست که در تفسیر آیات میان عموم مفسران نقش کلیدی دارد. همچنین بحث‌های مربوط به «قرآن از نگاه قرآن» از موضوع‌های علوم قرآنی است که در تفسیر موضوعی مطرح است.

از جمله میبیدی در تفسیر مشهور «کشف الاسرار»، خود را موظف می‌بیند که در سرآغاز هر سوره، ناسخ و منسوخ‌های آیات آن سوره را مطابق تعریفی که از نسخ دارد، به صورت کلی عنوان کند و مکی و مدنی بودن سوره را نیز مشخص سازد.

اصول فقه

سیوطی در الاتقان، از «مجمل و مبین» و «مطلق و مقید» از انواع «عام و خاص» در قرآن کریم که از شایع‌ترین مباحث اصول فقه است، گفتگو کرده است. وی با شواهد فراوان از آیات قرآن به طرح موضوع می‌پردازد و انواع مباحث فرعی آنها را نیز در این شواهد جستجو می‌کند، هر چند که در نگاه اصولیان این مباحث اختصاص به قرآن ندارد و شامل روایات نیز می‌شود (نصیری، ۱۳۸۵، شماره ۴۰ و ۳۹، صص ۱۳۰-۱۳۹). علاوه بر موضوعات فوق، مبحث «حجیت ظواهر قرآن» که در پاسخ به شبهات و دعاوی اخباریان، در علم اصول فقه بحث و بررسی می‌شود، نیز یکی از مباحث مطرح در کتب علوم قرآنی است (خویی، ۱۳۹۴ ق، صص ۲۶۳-۲۷۲).

نظام دانش «علوم قرآنی» در منابع و کتب آن

شکی نیست که از جمله لوازم قطعی آموختن هر دانشی، سامان و نظام‌مندی منسجم آن دانش است، تا آموزش آن آسان باشد. به عنوان مثال: در علم اصول، مباحث از «الفاظ» شروع و سپس مبحث «حجت» و یا در فقه از کتاب «طهارت» آغاز و تا کتاب «دیات» باب‌بندی و مباحث تبیین می‌شود. کلام نیز از همین سامان‌مندی برخوردار است. در کلام نخست مباحث خداشناسی و پس از گذر از نبوت عامه و خاصه و امامت عامه و خاصه، سرانجام موضوع معاد قرار

دارد. اما در آثار فراهم آمده در حوزه علوم قرآنی، ضعف سامان‌مندی و نظم خاص، مشهود است، چنانکه: در کتابهای «البرهان» و «الاتقان» که از کتابهای مهم علوم قرآن به شمار می‌روند به ترتیب ۴۷ و ۸۰ مورد دانش معرفی شده است. در کتاب البرهان نخستین موضوع، شناخت «سبب نزول» و آخرین مبحث «ادوات» است، اما در کتاب الاتقان، شناخت «مکی و مدنی آیات» سرآغاز سخن و آخرین بحث، شناخت «طبقات مفسرین» است. به عبارتی دیگر در نظم بخشیدن به چپش عناوین از وحدت رویه‌ای پیروی ننموده‌اند.

برای توضیح بیشتر عناوین مباحث مطرح در سه اثر مشهور و جامع در علوم قرآنی را می‌آوریم:
سیوطی در الاتقان کوشیده است تا مباحث هشتادگانه اثر خود را در شش محور اصلی سامان دهد، که عبارتند از:

۱. شناخت نزول قرآن

۲. شناخت سند.

۳. شناخت ادا

۴. مباحث الفاظ

۵. معانی متعلق به احکام

۶. معانی متعلق به الفاظ

عبدالعظیم زرقانی از دیگر صاحب نظران علوم قرآنی، نظم جدیدی از مباحث علوم قرآنی ارائه می‌دهد. وی در کتاب

«مناهل العرفان»، ۱۷ بحث را سرآغاز جستجوی خود در تألیف کتاب قرار داده است:

۱. معنای علوم قرآن

۲. تاریخ علوم قرآن

۳. نزول قرآن

۴. اولین و آخرین نزول

۵. اسباب النزول

۶. نزول قرآن بر هفت حرف

۷. شناخت آیات مکی و مدنی

۸. جمع قرآن

۹. ترتیب آیات و سور

۱۰. کتابت قرآن

۱۱. شناخت قرائات

۱۲. شناخت تفسیر و مفسران

۱۳. ترجمه قرآن

۱۴. شناخت نسخ

۱۵. شناخت محکم و متشابه

۱۶. اسلوب قرآن

۱۷. اعجاز قرآن

آیت الله معرفت در کتاب «التمهید فی علوم القرآن» مباحث خود را در هشت موضوع طبقه‌بندی نموده است:

۱. شناخت وحی

۲. نزول قرآن

۳. شناخت اسباب نزول

۴. تاریخ قرآن

۵. شناخت قرائات

۶. شناخت ناسخ و منسوخ

۷. شناخت محکم و متشابه

۸. شناخت اعجاز قرآن

وی در دو جلد جداگانه نیز به نام «التفسیر و المفسرون» مبحث شناخت تفسیر و مفسران را، که دیگران در آثار علوم قرآنی به آن پرداخته‌اند، مورد تحقیق قرار داده است. (نصیری، ۱۳۸۵، شماره‌های ۴۰ و ۳۹، ص ۲۴۴).

از این نمای کلی این نکته معلوم می‌شود: که علوم قرآنی از ظرفیت و قابلیت ویژه‌ای برخوردار است که می‌تواند مباحث جدید و نو که مربوط به شناخت قرآن کریم است را بر حسب پرسش‌های جدید طرح و عرضه کند. همچون: «قرآن و خاورشناسان»، «شبهات قرآنی»، «زبان قرآن»، «هرمنوتیک یا منطق فهم آیات»، «تناقض در قرآن» که مورد تحقیق مدققین در حیطه علوم قرآنی واقع شده و به جای نوعی مباحث از جمله طرح «انواع قرائات»، «شناخت فضایل و خواص سور»، «رسم خط قرآن»، که سرآغاز طرح شناخت قرآن در میان دانشمندان سده‌های نخستین هجری بوده مورد اهمیت قرار گرفته است و یا مباحث دیگر که مربوط به «آدای قرآن»، «فواصل آیات» و «اعلام قرآن» از متون جدید علوم قرآنی حذف شده و تحقیقاتی جدید به صورت مستقل را به خود اختصاص داده است.

طرح این موضوعات جدید به خاطر رویکردهای جدید در پاسخ به انتظاراتی است که از شناخت قرآن در عموم اهل دانش وجود دارد. همانگونه که در «کلام»، چنین جریان سیالی در طرح عناوین جدید مشهود است و این می‌تواند دلیل پویایی علوم قرآنی باشد.

بازتاب علوم قرآنی در متون ادب فارسی

آثار مکتوب زبان فارسی را از دیدگاه‌های مختلف می‌توانیم مورد تحقیق و تحلیل قرار دهیم از جمله: بررسی واژگان، شیوه نگارش، گزارش کارکردهای هنری متن، واقع‌نمایی در متن یا پردازش اسطوره‌ای، دریافت معانی و نمایش بطن الفاظ در متون کلاسیک، تطبیق آموزه‌ها بین دو یا چند اثر، سبک‌شناسی، نسخه‌شناسی و تصحیح و یا گاهی زوایای نگاه ما به متون فارسی از این جهت که جاذبه‌های فکری پدید آورنده اثر از چه منابعی تغذیه شده و ذهن شاعر و یا نویسنده و اثر او، در پی معانی و یا الفاظ کدام منبع یا منابع سامان یافته است. همچنین می‌تواند جستجوی ما